



۲۰۱۶/۰۶/۱۷



همایون شاه عالمی

## استاد کهزاد

### شاعر، رسام و نویسنده والا مقام افغانستان

استاد یوسف کهزاد، متولد سال ۱۹۳۵ میلادی است. و مکتب را در لیسه عالی نجات به پایان رساند. شعر سرایی را در دوران مکتب آغاز کرد و در همان زمان در یک مسابقه ادبی که از طرف ریاست مستقل مطبوعات آن وقت به راه انداخته شده بود با پیشکش یک غزل بهاریه، برنده جایزه اول شد.



آقای کهزاد، بعد از پایان مکتب، کارهای تئاتری خود را به صفت نویسنده و هنرپیشه در "پوهنی ننداری" شروع کرد. سپس برای تحصیلات عالی در رشته نقاشی عازم کشور ایتالیا شد.

در همان سال ها، او آثار خود را در کشور های ایتالیا، آلمان، دنمارک و سویدن به نمایش گذاشت و همچنان در یکی از مسابقات بین المللی نقاشی که در ایتالیا برگزار شده بود جایزه مقام اول و مدال طلا شد.

استاد یوسف کهزاد در سال ۱۹۶۶ میلادی به حیث مسؤل هنر در ریاست ثقافت و هنر وزارت اطلاعات و فرهنگ اجرای وظیفه می کرد و در همان وقت، نگارستان غلام محمد میمنگی را که شامل دوره های آموزشی نقاشی، مجسمه سازی، خطاطی و مینیاتوری بود تأسیس کرد.

### دو بیتی هایی از استاد بزرگوار:



تصویر استاد محمد یوسف کهزاد

سراسر کابل و ویرانه گشته      همه پیرو جوان دیوانه گشته  
چنان در دست نامردان اسیر است      که هر جا قصه اش افسانه گشته

\*\* \* \*\*

الهی می پرستان را ببخشای  
به کعبه هر که می بخشد گنه را  
حریف باده نوشان را ببخشای  
تو در میخانه مستان را ببخشای

\*\* \* \*\*

الهی چاره با گریان همیشه  
مگر از غیب سازی چاره ای ما  
دل پر درد ما درمان همیشه  
و گر نه شام ما پایان همیشه

\*\* \* \*\*

چه ده دانا و قصر چهلستون بود  
چنان بر شوکت خود ناز می کرد  
چه قصری کز همه قصر ها فزون بود  
که نی در فکر جنگ و نی به خون بود

\*\* \* \*\*

بهارت این وطن آخر خزان شد  
چرا قسمت ترا بیچاره کرده  
زخونت دشمن پیرت جوان شد  
که خاکت پایمال دشمنان شد

\*\* \* \*\*

اگر روزی شوم مهمان کابل  
به صبح صادق و شام غریبان  
سر خود می کنم قربان کابل  
مه قربان همان آذان کابل

\*\*\* \*\*

هر آنجا عاشقان و عارفان است  
به آن (شاه دو شمشیره) نظر کن  
امید مردم کابل به آن است  
که خاکش جلوه گاه آسمان است

\*\*\* \*\*